

گفت و گو با سید جواد میری، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

انسان از آنچه رنج می برد صحبت می کند



| طرح نو | ماندان افغانی جو! گذار شتابان جامعه سنتنی به سمت مدرنیته، علاوه بر آن که رویکرد پست مدرنیستی بر جامعه آسیب‌زای موجود ما تأثیر گذاشته است، به‌طور عام و جامع رو به توسعه و به‌طور خاص جامعه ایران را درگیر آن ساخته. از سوی دیگر همچنین بر رفتارهای افراط‌گرایانه مردم و به‌خصوص جوانان افزوده است.

رفتارهای افراطی که گاهی از هنجارهای تعریف شده خارج و به از هم پاشیدگی روابط و عملکردهای حاکم بر جامعه منتهی می‌شود. البته تنها افراطی‌گری در میان عموم مشاهده نمی‌شود بلکه بسیاری از کارگزاران سیاسی با رفتارهای افراطی نشان داده‌اند که تابع هنجارها و ایجاد شرایط مناسب برای گروه‌های رقیب نبوده و با زور و فشار آنها را به حاشیه کشانده و حتی مجبور به کوتاه آمدن از مواضع سیاسی خود ساخته‌اند. در خصوص مفهوم افراطی‌گری و عوامل ایجاد آن با سید جواد میری، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم.

نهاد دولت به‌عنوان نظام تشکیلاتی منسجم به اداره امور آن اجتماع اقدام می‌کند. تمامی منابع و منافع در دست این نهاد باعث می‌شود تا تفسیرهایی که ما از زندگی جمعی داریم، همواره با تضادهایی مواجه شود. به عبارتی یک چارچوب تعریف شده که تمامی قالب‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه را در خود می‌گنجاند. مارکس و بر از توسعه عقلانیت یاد می‌کند و معتقد است: در چنین وضعیتی، آرام آرام نبض جریان بشری در زندگی جمعی به دست نیروی دموکراتیک بی‌روح و خشک داده می‌شود و مردم در قفس آهنین گرفتار می‌شوند. اما به نظر دیگر جامعه‌شناسان، از سحرزدایی و افسون‌زدایی در دنیای مدرن که اساساً منطقی و پشت‌سرا قرار دارد با عنوان نظام سرسرمایه‌داری - دموکراتیک همراه با عقلانیت نام برده می‌شود و عقلانیت به ابزاری در دست آنها برای سرکوب سایران تبدیل می‌شود. زمانی که خواسته‌ها و امیال انسان‌ها عرصه‌ای برای ظهور نیابد، افراطی‌گری در نظام اجتماعی آنها شکل گرفته است. امروزه افراطی‌گری به گونه دسته‌ای و گروهی در برابر روند ابزاری عقلانیت جمعی مقاومت می‌کنند.

در اوایل قرن بیستم در آمریکا و در مناطق اروپای غربی که زودتر با روند مدرنیسم روبه‌رو شدند، نهضت بنیادگرایی مسیحی شکل گرفت و مردم را در رفتارها و عملکردهای افراطی خود به بند کشیدند. چراکه با تفسیر خشک و بی‌روح و ظاهر‌گرایانه از متون مسیحیت، افراط‌گرایی دینی با زور به زندگی جمعی مردم به اوج خود رسید. اما در چند دهه اخیر و با ورود به قرن بیست و یکم و انفجار اطلاعات و ارتباطات فراملی و ورود به دنیای جهانی، بسیاری از تابوها شکسته شد و دیگر این جریان دینی به جریان وسیع و همه‌گیر تبدیل نشد و در نطفه خفه شد. بعدها هم به گونه‌ای متفاوت اما با ادبیات زور و افراطی‌گری شاهد ظهور این نوع زیاده‌روی در کشورهای اسلامی بودیم.

نهاد دولت به‌عنوان نظام تشکیلاتی منسجم به اداره امور آن اجتماع اقدام می‌کند. تمامی منابع و منافع در دست این نهاد باعث می‌شود تا تفسیرهایی که ما از زندگی جمعی داریم، همواره با تضادهایی مواجه شود. به عبارتی یک چارچوب تعریف شده که تمامی قالب‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه را در خود می‌گنجاند. مارکس و بر از توسعه عقلانیت یاد می‌کند و معتقد است: در چنین وضعیتی، آرام آرام نبض جریان بشری در زندگی جمعی به دست نیروی دموکراتیک بی‌روح و خشک داده می‌شود و مردم در قفس آهنین گرفتار می‌شوند. اما به نظر دیگر جامعه‌شناسان، از سحرزدایی و افسون‌زدایی در دنیای مدرن که اساساً منطقی و پشت‌سرا قرار دارد با عنوان نظام سرسرمایه‌داری - دموکراتیک همراه با عقلانیت نام برده می‌شود و عقلانیت به ابزاری در دست آنها برای سرکوب سایران تبدیل می‌شود. زمانی که خواسته‌ها و امیال انسان‌ها عرصه‌ای برای ظهور نیابد، افراطی‌گری در نظام اجتماعی آنها شکل گرفته است. امروزه افراطی‌گری به گونه دسته‌ای و گروهی در برابر روند ابزاری عقلانیت جمعی مقاومت می‌کنند.

از نظر لغوی، (افراطی‌گری) به معنای کار یا عملی است که مابیش از حد به انجام آن اصرار می‌ورزیم و باعث آزار و ناراحتی دیگران می‌شویم. اما گاهی افراطی‌گری می‌تواند مثبت باشد و از آن به‌عنوان کمک و یاری به هم‌نوعان و کسانی که در شرایط سخت قرار می‌گیرند، نام برده شود

تحوالات بسیاری که در جهان اسلام به وقوع پیوسته است، با سقوط امپراتوری‌های بزرگ عثمانی در منطقه آناتولی و بخش‌های بزرگی از اروپا، صفویه و افشار در فلات ایران، که دارای انتظامات سیاسی، فرهنگی و دینی خاصی بودند، موج نفوذ حاکمان دست‌نشانده به شدت افزایش یافت. استعمارهای نوظهور با ورود به حکومت‌های تازه تاسیس، ساماندهی نظام این کشورها را در اختیار خود گرفتند و به نوعی ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

در درازنای زمان سرزمین باستانی ما ایران دارای فرهنگی اعتدالی و گهربار بوده است. ایران در سده‌های پیشین خاستگاه اندیشه‌های برتر و رویشگاه دانایی و خرد اجتماعی بوده و فرهنگ نازشخیز ایرانی در دل خود دانشمندان بلند آوازه‌ای را پرورش داده است. شکسبیایی، بردباری و تسامح جزو اولین آموزه‌های ایرانیان بوده است و فرزندان این مرز و بوم با خشونت و افراط‌بگانه و بی‌سام آور صلح و دوستی در جهان بوده‌اند. امروزه افراطی‌گری جهان را در می‌نوردد و افکار عمومی روزبه‌روز نسبت به عواقب آنها حساس‌تر می‌شود. بنابراین بافتن شیوه‌های آموزشی موثر در آموزشگاه‌ها جهت رسیدن جامعه به آگاهی لازم بسیار مهم است. در سطح کلان وزارت علوم و آموزش و پرورش با رویکرد غیرسیاسی می‌توانند بزرگترین گام را برای آگاه کردن جامعه نسبت به خطر افتادن جوانان در دام افراط بردارند. اهمیت دادن به مجلس دانش آموزی می‌تواند سبب آموزش و تثبیت نسبی میانه‌روی را در لایه‌های مختلف دانش‌آموزی شود. بایسته است که روش‌های نوین آموزش به شکل ضمن خدمت به معلمان انتقال داده شود تا کلاس‌های درس از حالت انفعال به نشاط کشانده شود. مربیان پیش دبستانی و آموزگاران محترم بیشترین نقش را در تثبیت میانه روی در دانش‌آموزان دارند و آثار سخنان و رفتار آنها تا مدت‌ها در عملکرد دانش‌آموزان دیده می‌شود. امید است آموزش و پرورش به این عزیزان اهمیت بیشتری دهد و خدمات ارزشمندشان را راج نهد و آنها را به آراش برساند. وزارت آموزش و پرورش در دوره دولت دکتر محمود احمدی‌نژاد با تغییرات بی‌دری و غیر کارشناسی کتب درسی و مقاطع تحصیلی نوعی بسردرگمی بین دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها ایجاد کرد.

خاستگاه افراطی‌گری در تمایلات فردی و اجتماعی است و عموماً حاصل تعصبات و رسوم نادرست، چهل افراد و تبلیغات زیاد برخی گروه‌هاست. برای آموزش کارآمد باید در ابتدا افراط را از زاویه‌های مختلف بررسی کرد. برای نمونه از سویه‌های زیر می‌توان بررسی کرد:



بهمن حاج‌محمود عطار
-حقوقدان

افراطی‌گری و گسترش دروغ و ریاکاری

نگاه حقوقی

یک عمل بهنجار محسوب شده، انجام آن را در شرایط امروزی بر مردم تحمیل کنند. مسلماً اینگونه اقدامات شاید در کوتاه‌مدت به دلیل شرایط درماندگی مردم جوابگو باشد اما در درازمدت موجب نابودی این تفکر و اندیشه در بستر جامعه خواهد شد. الگوی این موضوع رفتارهای افراطی حاکمان در قرون وسطی در اروپا بوده است که پادشاهان و سران حکومت‌های اروپایی با رفتارهای افراطی سعی در تثبیت حاکمیت خود داشتند. تاریخ اروپا از این دوران به وحشت یاد می‌کند. دورانی که مردم به‌خاطر رفتارهای افراطی حاکمان مورد شنیع‌ترین مجازات‌ها قرار می‌گرفتند. امروزه می‌بینیم که با روشنگری مردمی در اروپا نه تنها افراطی‌گری‌های سده‌های گذشته به فراموشی سپرده شده بلکه در بسیاری از این کشورها حتی مجازات اعدام برای مجرمان نیز ممنوع شده است. اگر به رفتار گروه‌های افراطی طی این سال‌ها نگاه کنیم، متوجه می‌شویم تمام رفتارهایی که یا به سمت افراط یا تفریط پیش رفته است، باعث شده تا رفتارهای دروغین و ریاکارانه با این عمل گسترش پیدا کند. رفتارهای دوگانه‌ای که هرکدام می‌تواند آسیبی جداگانه به جامعه وارد کند. به‌نظر می‌رسد برای پیکار با پدیده افراطی‌گری به صورت برنامه‌ریزی شده در پرورش فرهنگ جامعه و اطلاع‌رسانی پیشرفت‌های فرهنگی توسط دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی باید اقدامات مناسبی شود به‌گونه‌ای که افرادی که دچار تندروری‌های اخلاقی و رفتاری در تحمیل عادات و رسوم خود بر دیگران هستند با روشنگری همگانی و قرار گرفتن در موج روشنگری از اقدامات افراط‌گرایانه خود پرهیز کنند. در جامعه‌ای که همگان به حقوق و تکالیف خود آگاه باشند و یک دستگاه نظارتی عمومی بر رفتار شهروندان از طریق رسانه‌ها و مطبوعات آزاد و غیردولتی پدید بیاید، مسلماً افراطی‌گری و تشکیل گروه‌های پرنفوذ افراطی در جامعه رشد نخواهد کرد. الگوی رفتاری چنین جامعه‌ای را می‌توان کشور ژاپن معرفی کرد که رسانه‌های گروهی و مطبوعات از بطن جامعه و مردم رشد کردند و آن نظام وحشی‌گری و قبیله‌های سده‌های گذشته ژاپن از بین رفته و رسانه‌ها به‌عنوان بازوی نظارتی مردم مراقب جلوگیری از گونه افراطی‌گری هستند و کشور در یک سطح آرامش و رعایت قوانین و مقررات و نظم عمومی به‌سر می‌برد.

برای ورود به بحث افراطی‌گری از دیدگاه جامعه‌شناختی و رفتارشناسی نخست باید این عبارت به صورت کامل تعریف شود. تعریفی که می‌توان از عبارت افراطی‌گری بیان کرد این است که افراطی‌گری، افراط و زیاده‌روی در رفتارهای به اصطلاح اصلاحی و هنجارگونه از سوی دستگاه حاکمه یا گروه‌های پرنفوذ در جامعه، برای تحمیل این رفتارها بر عموم مردم و توده مردمی است. این رفتارها مورد پذیرش و اقبال اختیاری توده مردم نیست و مردم به جهت جبر و فشاری که از سوی این گروه‌ها بر آنها تحمیل می‌شود و به جهت شرایط درماندگی و اضطراب آن را می‌پذیرند. در جهان امروز که به جهت گسترش وسایل ارتباط جمعی و انسانی، دسترسی همه مردم صرف‌نظر از نژاد و قومیت و جغرافیای سیاسی به اطلاعات دیگران به وجود آمده و از بین رفتن محدودیت‌های مرزی و سرزمینی در ارتباطات بین‌ملتها و کشورها جهان را به سمت یکی شدن و اشتراک رفتاری و منش اجتماعی پیش می‌برد، امروزه ما شاهد آن هستیم که همه کشورهای جهان حتی عقب‌افتاده‌ترین آنها در یک‌سری مقررات و نظامات اجتماعی با بقیه کشورها، یکسان و مشترک هستند. به‌عنوان نمونه، همه کشورهای جهان از یک مقررات راهنمایی و رانندگی واحد و یکتا بهره‌مند هستند، همچنین سیستم بانکداری و بازرگانی بین‌المللی و مبادلات ارزی در همه کشورها یکسان است. این رویه به مرور در سایر روابط اجتماعی و اخلاقی ملت‌ها در حال گسترش است و نمی‌توان با این موج یکنواختی رفتارهای اجتماعی مردم در کشورهای مختلف، مقابله کرد. گروه‌هایی که با نادیده گرفتن این رویه جهانی درصدد پیکار و مقابله با آن هستند جایگاهی در سطح بین‌المللی و حتی مردم خودشان نداشته و نخواهند داشت. امروزه رفتارهای ناپهنجاری از قبیل گردن‌زدن افراد توسط گروه‌های افراطی یا سایر مجازات‌های دهشتناک که در زمانی در تمدن‌های کهن جزو مجازات‌های مرسوم بوده، جایگاهی ندارد. گروه‌های افراطی نمی‌توانند به بهانه این که این رفتارها در دوران‌های پیشین

ذره بین

افراطی‌گری بر فراز شاهین قضاوت

اسماعیل عبدی | دبیر کل کانون صنفی معلمان

افراط در خودشیفتگی و نارسیم با در خودپرستی: در این حالات فرد همواره خواسته‌های شخصی خود را بر خواسته‌های دیگران ترجیح می‌دهد. آنها توهم خودبزرگ بینی داشته و خود را مصون از اشتباه می‌دانند و با عشق افراطی به خود و غلو کردن درباره قابلیت‌های فردی خودشان، انگاشتها و قابلیت‌های انسان‌های دیگر را در نظر نمی‌گیرند. چنین افرادی در نوجوانی دچار انزوا شده و نمی‌توانند دوستان خوبی پیدا کنند. آنها در بزرگسالی دچار خودکامی شده و از اغوا، تسلط‌گری افراطی و خشونت برای کنترل زندگی‌شان استفاده خواهند کرد. این افراد به لحاظ رفتاری از هم گسیخته به نظر می‌آیند و حتی ممکن است شریک جنسی غیراز همسر خود اختیار نمایند.

افراط در عشق: همه شئونات زندگی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بیشترین آسیب از افراط در عشق متوجه نوجوانان و جوانان است. دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه معمولاً بر خود با جنس مخالف را در کوچه و خیابان و با از طریق شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی مانند لاین، تانگو، وایسر، واتس‌آپ و فیسبوک تجربه می‌کنند. نا آگاهی، آموزش ناکارآمد و برخورد‌های قبیله‌ای برخی خانواده‌ها با موضوع ارتباط که یک نیاز است سبب تخریب افکار جوانان و تشکیل گروه‌های بزهکار می‌شود و اعتماد به نفس پایین، سیگار و مواد مخدر، استفاده از الکل، خیال‌پردازی، رفتار بیش از حد رمانتیک، اعتیاد به رابطه و تعدد شرکای جنسی حاصل سرخوردگی و شکست در عشق است.